

## گفت‌وگو با فرهاد حاجی میرزایی به مناسبت روز جهانی کودک



مرکز یونیسف که ابتدا انجمن بین المللی ویژه کودکان سازمان ملل نام داشت در سال ۱۹۴۶ بعد از جنگ جهانی دوم در اروپا توسط انجمن عمومی سازمان ملل به منظور حمایت از کودکان ایجاد شد. در سال ۱۹۵۲ یونیسف یکی از بخش‌های دائمی در سازمان ملل گردید و روز ۸ اکتبر را «روز جهانی کودک» نام‌گذاری کرد. به همین مناسبت و به منظور بررسی مشکلات و موانع ایجاد یک دنیای شاد برای کودکان گفت‌وگویی خواهیم داشت با یکی از فعالان این عرصه. لطفاً ابتدا خودتان را معرفی کنید:

با عرض سلام خدمت شما و خوانندگان محترمان در ابتدا روز جهانی کودک را به تمام مردم جهان مخصوصاً کودکان عزیز تبریک می‌گویم.

فرهاد حاجی میرزایی هستم یکی از فعالین حقوق کودکان و زنان در شهرستان سمنجان و مریوان که دامنه فعالیت‌هایم در رابطه با مسئله کودک، خصوصاً کودکان کار و خیابانی بوده است.

### شما به عنوان یکی از فعالین دفاع از حقوق کودکان که سال‌ها در این زمینه فعالیت داشتید وضعیت کودکان مخصوصاً کودکان کار در ایران و جهان را چگونه می‌بینید؟

ابتدا من به موادی در رابطه با حقوق کودک اشاره کنم. طبق اعلامیه جهانی حقوق کودک، کودکان باید از امنیت اجتماعی و داشتن محیطی سالم و امکانات لازم برای بازی، تفریح و تغذیه، مسکن و خدمات پزشکی بدون در نظر گرفتن نژاد، جنس، مذهب، فرهنگ، رنگ پوست و یا وابستگی سیاسی، مالی، قومی و یا هرگونه تبعیض دیگری برخوردار باشند و شرایط لازم، برای آموزش و تحصیل در شرایطی برابر برای رشد و شکوفایی استعدادهایشان فراهم شود، تا بتواند موجبات پیشرفت و رشد فرهنگی آنان را مهیا کند. در اکثر موارد حتی در کشورهای که پیمان‌نامه را امضا کرده‌اند مفاد و اصول آن را رعایت نمی‌کنند و به مواد و اصول مندرج در اعلامیه حقوق کودک پایبند نیستند.

متأسفانه باید عرض کنم در ایران و اکثر کشورهای جهان به دلیل به انحصار درآوردن ثروت و منابع ثروت و وسایل تولید بوسیله دولت‌مردان و صاحبان قدرت و عده کمی دیگر که اکثریت آنها هم زیر مجموعه و عوامل دولت‌مردان و حاکمین هستند و به‌روز جنگ و خشونت، روز به روز وضعیت کودکان به دلیل آسیب پذیری‌شان رو به وخامت است و آمار کودکانی که روزانه قربانی خشونت و فقر گرسنگی می‌شوند، تامل برانگیز است.

پدیده کودکان خیابانی و کودکان کار پدیده جهانی و هشدار دهنده است. تقریباً هیچ کشوری در دنیا وجود ندارد که کودک کار و خیابانی نداشته باشد و از این معضل مستثنا باشد، این مشکل هم معضل کشورهای پیشرفته هم در حال رشد است و در این میان کشورهای آسیایی و آفریقایی و آمریکای لاتین درصد بیشتری را به خودشان اختصاص داده‌اند. کودکان کار فقط کودکان خیابانی نیستند، سه چهارم کودکان در کارگاه‌های تولیدی و خانه‌ها با کمترین دستمزدها و نا امن‌ترین و سخت‌ترین شکل ممکن مشغول به کارند، و به دلیل موقعیت سنی و دستمزدهای پائین و ساعات کار بیشتر بهترین گزینه برای سوءاستفاده افراد سود جو هستند.

طبق آمار سازمان بین‌المللی کار نزدیک به ۱۶۵ میلیون کودک بین سن ۵ تا ۱۴ سال در جهان مشغول به کار هستند که شرایط کاری آنها سخت و استثمارگری است و طبق آمارهایی که توسط یونیسف ارائه شده که آن هم نمی‌تواند موثق باشد و آمارهای واقعی خیلی بیشتر از آن میزان است، در جهان تعداد کودکان زیر ۱۸ سال که به کار مشغول هستند حدود ۲۰۰ میلیون نفر است. البته آمارها ضد و نقیض هستند، که در این میان دختران سهم بیشتری را به خود اختصاص داده‌اند.

سیاست‌های غلط و ضد بشری که امروز در ایران اعمال می‌شود منتهی به افزایش فقر و بحران اقتصادی و در نتیجه ناهنجاری‌های اجتماعی و بالا رفتن آمار کودکان کار و کودکان محروم از تحصیل شده است و از این آمار بیشتر از ۵/۱ میلیون کودک کار را ایران به خود اختصاص داده است و نزدیک به چهار میلیون را کودکان بازمانده از تحصیل تشکیل داده‌اند و در این میان کودکان نقاط مرزی و حاشیه‌ای کشور به دلیل فقر اقتصادی و فرهنگی مخصوصاً دختران در زمینه بازماندن از تحصیل بیشترین آمار را تشکیل داده‌اند.

در منطقه غرب و جنوب کشور به دلیل وجود مین و مواد منفجره بازمانده از دوران جنگ ایران و عراق بعد از گذشت سالها کودکانمان بیشترین قربانی را می‌دهند.

در غرب کشور به دلیل بی‌کاری و در آمد پائین خانواده‌ها و شرایط بد اقتصادی، کودکان مخصوصاً پسران که اکثراً بین سنین ۱۲ تا ۱۸ سال هستند نیمی از جمعیت «کول بران» مرزی را به خود اختصاص می‌دهند که در شرایط بسیار سخت و طاقت‌فرسا در سرما و گرما در برف و یخبندان مشغول به جان‌کندن هستند آن هم نه فقط فشار مفرط کول بری بلکه روزانه مورد حمله نیروهای انتظامی و امنیتی قرار می‌گیرند و کشته می‌شوند و حتی خانواده‌ها برای باز پس‌گیری جنازه فرزندانشان پولی هم باید پراخت کنند چون برای کشتن فرزندشان گلوله مصرف شده است و یا روانه زندان و یا جریمه نقدی می‌شوند و اجناسشان را نیز مصادره می‌کنند. (مانند راهزنان قرون گذشته و ماموران نظم امروز)

تمام این مصائب را فقط به جرم سیر کردن شکم تحمل می‌کنند. دانشان هم به هیچ جای دنیا نمی‌رسد اصلاً انگار در این دنیا وجود ندارند. (لازم است برای خوانندگان روشن کنم که کول یا بار این کودکان شامل مواد آرایشی، لوازم برقی و خوراکی است نه مواد مخدر یا مواد منفجره)

### **نهادهای غیر دولتی فراوانی وجود دارند که با نام دفاع از حقوق کودکان مشغول به فعالیت هستند به نظر شما این نهادها به چه میزان در رابطه با حوزه فعالیتشان تاثیر گذار بوده اند.**

نهادهای غیر دولتی مخصوصاً در ایران در این زمینه بسیار فعال بوده‌اند اما به دلیل محدودیت و حتی سرکوب از جانب رژیم نتوانسته‌اند به میزان قابل ملاحظه‌ای برای کودکان، کاری از پیش ببرند البته در زمینه فرهنگ‌سازی و اینکه جامعه کودک را به عنوان بخشی از خود بپذیرد بسیار مفید بوده اما امکانات محدود مالی این نهادها نمی‌تواند پاسخ‌گوی نیاز کودکان کار و خیابانی در جامعه باشد و این امر مهم به عهده حکومت‌ها و دولت‌هاست و وجود کودکان خیابانی و کودکان کار با بازمانده از تحصیل، نتیجه و انعکاس سیاست‌های غلط دولت‌مردان و حاکمین است.

### **با توجه به امکانات محدود نهادهای غیردولتی و فعالان حقوق کودک در ایران و محدودیت های ایجاد شده توسط حاکمیت به نظر شما از چه راه‌هایی می‌توان برای بهبود وضعیت کودکان کار تلاش کرد؟**

تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که نهادهای غیر دولتی و فعالان مدنی با توجه به امکانات محدود و وجود این حاکمیت و این سیستم انسان ستیز نتوانسته‌اند برای بهبود وضعیت کودکان کار و خیابانی و بی‌سرپرست کاری از پیش ببرند و روز به روز وضعیت رو به وخامت بوده است.

سیاست‌های اعمال شده فعلی باعث بروز بحران‌های اقتصادی شدید شده و خانواده‌های کم در آمد و ضعیف جامعه را دچار مشکلات حاد اقتصادی و اجتماعی کرده است و خانواده‌ها را مجبور کرده که برای جبران کمبود درآمدشان، کودکانشان را به کار در خیابان‌ها و کارگاه‌ها بگمارند، و در چنین وضعیتی روز به روز به آمار کودکان خیابانی و کودکان کار اضافه می‌شود.

به نظر من ساختار اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی یک جامعه از سیاستی که در آن جامعه اعمال می‌شود تغذیه می‌کند و برای سالم‌سازی و درمان یک جامعه بیمار ابتدا باید نظام سیاسی آن را دگرگون ساخت، چون این نظام سیاسی نشان داده که اصلاح‌پذیر نیست و هر گونه فعالیت مدنی که در راستای سیاست‌های نظام حاکم اسلامی نبوده باشد را خفه کرده است.

در پایان می‌خواهم چند سوال به صورت مجزا مطرح کنم، سوال من از دولت مردان و صاحبان فکر و اندیشه این است که آیا در دنیای امروز و در قرن بیست و یکم که به یمن رشد تکنولوژی دنیای فراوانی‌ست، کودکان ما نمی‌توانند از حقوق انسانی خویش برخوردار باشند؟ آیا در دنیایی که دوران صنعتی را پشت سر گذاشته و وارد عصر دانش و دنیای نرم‌افزاری شده است نمی‌توان وضعیت کودکان کار تحت استثمار را بهبود بخشید؟ برای انباشت سرمایه‌هایشان هنوز به این مستخدمین و تولید کنندگان بی‌حق و حقوق نیاز هست؟ مطمئناً اگر کسانی نباشند که منابع و ثروت‌های این دنیا را برای خود مصادره کنند منابع این دنیا به قدری‌ست که هرکس می‌تواند به اندازه نیازش از آن استفاده کند.

منبع: کمیته گزارشگران حقوق بشر